

## تبیین کارویژه «کارگروه تعیین ماهیت» و امکان‌سنجی اعمال نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر تصمیمات آن

آرین پتفت<sup>۱</sup>

حامد کاویانی<sup>۲</sup>

### چکیده

کارگروه تعیین ماهیت به عنوان نهادی تازه تاسیس در نظام حقوق اداری ایران، به موجب مقررات دولتی و به منظور بررسی پرونده‌های صادراتی و اطمینان از استفاده‌نشدن فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در کالای صادراتی ایجاد شده است. تصمیمات این کارگروه که نقش بسیار مهمی در تشخیص وجود یا عدم وجود مواد نفتی یارانه‌ای در محموله‌های صادراتی دارد، منشأ رسیدگی به اتهام تخلف یا جرم قاچاق فرآورده‌های نفتی و مستند رأی مراجع رسیدگی‌کننده به پرونده‌های مربوطه قرار می‌گیرد. به رغم اهمیت بسزای این نهاد در نظام حقوقی کشورمان و حساسیت قابل توجه تصمیمات آن در تبیین قانونی بودن محموله‌های صادراتی فرآورده‌های نفتی و تأثیری که بر چرخه اقتصادی صنعت تولید و صادرات این محصولات می‌گذارد، تاکنون آثار علمی برای تبیین ماهیت تصمیمات و وظایف آن در قرائت حقوق اداری و نقش دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراضات

---

۱- استادیار، دپارتمان حقوق عمومی، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی و گروه حقوق فناوری‌های زیستی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) پست الکترونیکی: [Arian\\_petoft@sbmu.ac.ir](mailto:Arian_petoft@sbmu.ac.ir)  
۲- دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. پست الکترونیکی: [Kaviani.hamed@gmail.com](mailto:Kaviani.hamed@gmail.com)

اشخاص از تصمیمات این نهاد به رشته تحریر در نیامده است؛ از این رو مقاله حاضر بر آن است تا ضمن واکاوی ماهیت حقوقی و مسئولیت‌های قانونی این کارگروه، بازنگری قضایی دیوان عدالت اداری را نسبت به نظرات اعلامی این نهاد مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. به طور کلی در مقاله حاضر دریافتیم که کارگروه تعیین ماهیت دارای صلاحیت تشخیصی بوده و تصمیم اداری اتخاذ می‌کند و لذا لازم است شکایات ذی‌نفعان از نظریات اعلامی آن در شعب دیوان عدالت اداری به عنوان سازوکار فرجام‌خواهی قضایی پذیرفته شود.

**واژگان کلیدی:** کارگروه تعیین ماهیت، صلاحیت تشخیصی، دیوان عدالت اداری، قاچاق، فرآورده نفتی.

## **Explanation of the role of the "Substance Determination Working Group" and the feasibility of applying the judicial supervision of the Administrative Court of Justice to its decisions**

Arian Petoft<sup>3</sup>, Hamed Kaviani<sup>4</sup>

### **Abstract**

The Substance Determination Working Group, as a newly established institution in Iran's administrative law system, reviews export cases and ensure that subsidized petroleum products of unauthorized origin are not used in export goods. The decisions of this working group, which plays a crucial role in determining the presence or absence of subsidized petroleum products in export shipments, are the source of investigation into the accusation of violation or the crime of smuggling of petroleum products and document the decision of the authorities investigating the relevant cases. Despite the great importance of this institution in the legal system of our country and the considerable sensitivity of its decisions in explaining the legality of export shipments of petroleum products and the effect it has on the economic cycle of the production and export industry of these products, so far scientific works to explain the nature of its decisions and duties in the reading of administrative law and the role of the Court of Administrative Justice in handling the objections of individuals from the decisions of this institution have not been written down. Therefore, the present article aims to analyze the legal nature and legal responsibilities of this working group, as well as the judicial review of the Administrative Court of Justice regarding the declared opinions of this institution. In general, in this article, we found that the nature

---

<sup>3</sup> Medical Ethics and Law Research Center and Biological Technologies Law Department, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. <https://orcid.org/0000-0001-7491-9632>

<sup>4</sup> Department of Public Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. <https://orcid.org/0009-0006-9768-3259>

determination working group has diagnostic authority and makes administrative decisions, and therefore, it is necessary to accept the complaints of the beneficiaries from its declared opinions in the branches of the Administrative Court of Justice as a judicial appeal mechanism.

**Keywords:** Substance Determination Working Group, Diagnostic competence, Administrative Court of Justice, Smuggling, Oil product.

## مقدمه

فرآورده‌های نفتی از مهم‌ترین منابع مالی و محور چرخه‌ی اقتصادی کشورمان می‌باشند و شرکت‌های تولیدی و بازرگانی فرآورده‌های نفتی در بخش خصوصی ایران نقش حائز اهمیتی در رونق این صنعت و حمایت از خودکفایی و رشد اقتصادی کشور در شرایط تحریم‌های ظالمانه غرب دارند.<sup>۵</sup> لذا همانطور که با دغدغه حفظ منافع عمومی، ضمانت اجراهای سختی نسبت به قاچاق فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای پیش‌بینی می‌شود<sup>۶</sup>، لازم است که سازوکارهای حمایتی ویژه‌ای از حقوق اشخاص در مظان اتهام این‌گونه جرائم یا تخلفات به منظور دفاع مناسب از حقوق خود و بهره‌مندی از نظام دادرسی منصفانه به خوبی ایجاد شده باشند<sup>۷</sup>؛ در غیر این صورت، کاستی‌ها و نواقص حقوقی دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی به سبب هراس از سرمایه‌گذاری در صنعت تولید و صادرات فرآورده‌های نفتی، موجب بازدارندگی رشد و توسعه اقتصادی این صنعت می‌شود.<sup>۸</sup> بنابراین لازم است که نظام کنونی دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی از حیث هنجاری و رویه‌ی عملکردی در همه ابعاد مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا ابهامات قانونی، نقاط ضعف، کاستی‌ها و احیاناً اشکالات حقوقی آن بر طرف شود.

<sup>۵</sup> شیروی، عبدالحسین، *حقوق نفت و گاز*، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۰؛ موسوی، سیدحسین، *تحلیل حقوقی الگوی قراردادی خدمت در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران*، گنج دانش، تهران، ۱۳۹۹؛ امیررحیمی، حسین، حسینی، سید شمس الدین، سیدنورانی، سید محمدرضا، محمدی، تیمور، صفرزاده، اسماعیل، *بررسی وضعیت خصوصی‌سازی صنایع پالایش نفت ایران با رویکرد DID (فازی)*، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، دوره ۱۰، شماره ۳۷، ۱۳۹۹، صص ۳۵-۱۱.

<sup>۶</sup> Bruwer C. "Smuggling and trafficking of illicit goods by sea". *Global challenges in maritime security: an introduction*. Springer: Berline, 2020, pp.49-73.

<sup>۷</sup> Murray J. "Prejudice-based rights in criminal procedure". *University of Pennsylvania Law Review*, Vol.168, No.2, 2019, pp.277-296.

<sup>۸</sup> Contractor FJ, Dangol R, Nuruzzaman N, Raghunath S, "How do country regulations and business environment impact foreign direct investment (FDI) inflows?" *International Business Review*, Apr 1, Vol.29, No.2, 2020, pp.64-87.

در این میان یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید مورد توجه قرار گیرد، نقش و جایگاه «کارگروه تعیین ماهیت (به اختصار: کارگروه)» است که به عنوان نهادی تازه تاسیس در نظام حقوق اداری ایران، به موجب مقررات دولتی و به منظور بررسی پرونده‌های صادراتی و اطمینان از استفاده‌نشدن فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در کالای صادراتی ایجاد شده است. گمرک از کلیه فرآورده‌های نفتی صادراتی نمونه اخذ کرده و آن‌را برای تشخیص اینکه در آن مشتقات نفتی یارانه‌ای استفاده نشده باشد و سرمایه ملی از کشور به صورت قاچاق خارج نشود، به این کارگروه - مرکب از نمایندگان وزارت صمت (صنعت، معدن و تجارت)، وزارت نفت و سازمانی ملی استاندارد - تسلیم می‌نماید. چنانچه کارگروه در نظریه اعلامی خود مشابهت محموله نفتی صادراتی با مواد یارانه‌ای را اعلام دارد، گمرک ضمن اعلام جرم یا تخلف قاچاق نسبت به تشکیل پرونده در مرجع رسیدگی‌کننده ذیصلاح اقدام می‌کند. از آنجا که نظرات اعلامی کارگروه منشأ و آغاز فرآیند رسیدگی به پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی قرار می‌گیرد و تصمیمات آن تأثیر قابل توجهی بر فعالیت بازیگران صنعت فرآورده‌های نفتی دارد، لازم است که نظارت قضایی دقیق و مؤثری بر آن اعمال شود؛ حال سوال این است که آیا نظریه اعلامی کارگروه، ماهیت اداری تشخیصی یا شبه‌قضایی دارد که بتوان شعب دیوان عدالت اداری را صالح بر اعمال بازنگری قضایی بر آن دانست و یا اینکه صرفاً یک نظر کارشناسی بوده و دیوان صلاحیت رسیدگی به اعتراض اشخاص از آن را ندارد؟ به رغم اهمیت بسزای این نهاد در نظام حقوقی کشورمان و حساسیت قابل توجه تصمیمات آن در تبیین قانونی بودن محموله‌های صادراتی فرآورده‌های نفتی و تأثیری که بر چرخه اقتصادی صنعت تولید و صادرات این محصولات می‌گذارد، تاکنون آثار علمی برای تبیین ماهیت تصمیمات و وظایف آن در قرائت حقوق اداری و نقش دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراض اشخاص از تصمیمات این نهاد به رشته تحریر در نیامده است؛ از این رو مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای با هدف برطرف کردن خلأ علمی در این حوزه و در راستای پاسخ به سوال فوق، در ابتدا به تبیین ساختار و وظایف کارگروه و ماهیت تصمیمات اتخاذی آن می‌پردازد تا ضمن جانمایی کارگروه در نظام حقوق اداری ایران، ابعاد و ماهیت

حقوقی نظریه اعلامی آن محرز گردد (گفتار اول)؛ سپس از رهگذر بحث و نقد مسئله‌ی عدم وجود تفوق قضایی بر دادرسی تخلفات قاچاق فرآورده‌های نفتی و اهمیت ایفای نقش دیوان عدالت اداری در فرآیند آن، اعمال بازنگری قضایی شعب دیوان بر نظریه‌های اعلامی کارگروه امکان‌سنجی شده و به تجزیه و تحلیل گذارده می‌شود (گفتار دوم) تا نهایتاً نتایج مطلوبی حاصل گردد.

### گفتار اول: واکاوی کارویژه کارگروه و ماهیت تصمیمات آن

کلیه محموله‌های نفتی صادراتی در کشور برای بررسی وجود یا عدم وجود مواد یارانه‌ای در آن‌ها به کارگروه ارسال می‌شوند. این نهاد که به موجب «دستورالعمل اصلاح و بهبود (ساماندهی) فرآیندهای صادرات، واردات، عبور (ترانزیت) و معاوضه (سواپ) نفت خام، میعانات گازی و فرآورده‌ها و مشتقات نفتی در امور گمرکی (اصلاحیه سال ۱۴۰۱)» (از این پس: دستورالعمل) موضوع ماده ۴۵ آیین‌نامه اجرایی مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ایجاد شده است، مرکب از نمایندگان سازمان ملی استاندارد ایران، وزارت نفت و وزارت صمت (صنعت، معدن و تجارت) به منظور «بررسی پرونده‌های صادراتی و اطمینان از استفاده‌نشدن فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز<sup>۹</sup> در کالای صادراتی» تشکیل می‌شود. بر اساس ضوابط مختلف دستورالعمل، کارگروه دارای وظایف مشروحه ذیل است:

---

<sup>۹</sup> «هرگونه کالا از جمله فرآورده نفتی یارانه‌ای که برخلاف ضوابط تعیینی دولت تحصیل و یا استفاده شده باشد.» (ر.ک به: بخش تعاریف دستورالعمل (فصل اول))

الف) کارشناسی و اعلام نظر فنی در خصوص تعیین ماهیت محصول صادراتی نفتی<sup>۱۰</sup> در مهلت زمانی مشخص،<sup>۱۱</sup> با احتساب ضریب خطای مجاز<sup>۱۲</sup> و مستند به اسناد معتبر.<sup>۱۳</sup> کارگروه در این خصوص ملزم به اجرای تشریفات بررسی ماهیت نمونه و اعلام نتایج به گمرک<sup>۱۴</sup> (صرفاً الکترونیک<sup>۱۵</sup>) در قالب نتایج چهارگانه معین<sup>۱۶</sup> است؛  
ب) رسیدگی تجدید نظر<sup>۱۷</sup>؛

---

<sup>۱۰</sup> کارگروه تنها مرجع رسیدگی کارشناسی و اعلام نظر فنی در خصوص تعیین ماهیت محصول صادراتی و اطمینان از استفاده‌نشدن فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز بوده و صرفاً نظرات اعلامی آن در مراجع رسیدگی‌کننده در خصوص فرآورده و مشتق نفتی مورد استناد خواهد بود (تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل).

<sup>۱۱</sup> کارگروه (بدوی) باید در حداکثر ظرف ۳۰ روز کاری و در مواردی که ضرورت انجام آزمایش تکمیلی یا مجدد را تشخیص دهد، حداکثر ظرف ۴۵ روز پس از تحویل نمونه و کلیه مستندات، نظر نهایی خود را اعلام کند (ماده ۲۷ دستورالعمل و تبصره آن).

<sup>۱۲</sup> کارگروه در درصدهای اعلامی در خصوص میزان مشابهت محموله به مواد یارانه‌ای که عیناً معیار اقدامات بعدی و رسیدگی گمرک و سایر مراجع خواهد بود، باید ضریب خطای مجاز را محسوب نماید (تبصره ۲ ماده ۳۱ دستورالعمل).

<sup>۱۳</sup> کارگروه باید صرفاً بر اساس اسناد مندرج در ماده ۳۰ دستورالعمل نظر نهایی خود را اعلام کند.

<sup>۱۴</sup> الزامات تشریفات رسیدگی و اعلام نظر کارگروه در ماده ۲۸ دستورالعمل مقرر شده است.

<sup>۱۵</sup> تبصره ۱ ماده ۲۶ دستورالعمل.

<sup>۱۶</sup> نظر اعلامی کارگروه باید در قالب یکی از چهار حالت ذیل باشد (ماده ۳۱ دستورالعمل): ۱- نتیجه آزمون با اظهار صاحب کالا تطابق داشته و فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در آن وجود ندارد؛ ۲- نتیجه آزمون با اظهار صاحب کالا تطابق نداشته و فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در آن وجود دارد؛ ۳- اظهار صاحب کالا به جهت ارائه سند منشأ صادراتی غیر مجاز یا فقدان سند با واقع تطابق ندارد؛ ۴- نتیجه آزمون با اظهار صاحب کالا تطابق ندارد و فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در آن وجود ندارد.

<sup>۱۷</sup> کارگروه تجدید نظر ملزم به تشکیل جلسه و بررسی پرونده نسبت به اعتراض ذی‌نفع از رأی کارگروه بدوی بوده و در صورت نیاز آزمون تکمیلی یا مجدد اقدام و نظر قطعی خود را حداکثر ۱۵ روز کاری صادر و به گمرک و مرجع رسیدگی‌کننده ابلاغ می‌نماید؛ اگر کارگروه تجدید نظر زمان بیشتری برای رسیدگی لازم بداند اعلام می‌نماید (ماده ۳۸ دستورالعمل و تبصره). در کارگروه تجدید نظر هیچ یک از اعضای کارگروه بدوی نباید حضور داشته باشند. مرجع ذیصلاح پذیرش اعتراض به نظریه اعلامی کارگروه بدوی، مرجع رسیدگی‌کننده به پرونده است و گمرک مجاز به پذیرش نیست (ماده ۳۷ دستورالعمل).



ج) اولویت رسیدگی به پرونده‌ای که گمرک به سبب معطلی خروج محموله صادراتی در انتظار وصول جوابیه کارگروه یا محموله صادره با تضمین مأخوذه پیش از جوابیه کارگروه، اعلام کرده است؛<sup>۱۸</sup>  
د) تشخیص قابل استفاده‌بودن یا نبودن نمونه شاهد و ماهیت آن؛<sup>۱۹</sup>  
ه) اعلام فهرست محصولات غیر قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای؛<sup>۲۰</sup>  
و) اعلام فهرست محصولات نفتی که کد شناسایی نیاز ندارند؛<sup>۲۱</sup>  
ز) اعلام فهرست مشتقات نفتی جامد و نیمه‌جامد قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای.<sup>۲۲</sup>

با عنایت به وظایف قانونی فوق‌الذکر، به خوبی روشن است که فلسفه وجودی کارگروه، تعیین ماهیت محموله‌های نفتی صادراتی و کارشناسی فنی و تخصصی آن‌ها از حیث تشخیص وجود یا عدم وجود مواد نفتی یارانه‌ای است. ترکیب کارگروه را نمایندگان دولت از سطح عالی‌رتبه اداری (نمایندگانی از وزارتخانه‌ها و سازمان مستقل اداری زیر نظر ریاست جمهوری<sup>۲۳</sup>) تشکیل داده و و دبیرخانه آن در سازمان ملی استاندارد (ادارات کل) مستقر است. با توجه به ترکیب کارگروه، می‌توان به خوبی اذعان

<sup>۱۸</sup> ماده ۲۹ دستورالعمل.

<sup>۱۹</sup> تبصره ۵ ماده ۲۶ دستورالعمل.

<sup>۲۰</sup> کارگروه ملزم است فهرست محصولات نفتی که به لحاظ ماهیت و شکل، امکان ترکیب یا اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای را ندارند، اعلام نماید (تبصره ۱ ماده ۱۸ دستورالعمل). این محصولات نیازی به ارجاع به کارگروه برای اعلام نظر و نیز نیاز به کد شناسایی ندارند (ماده ۱۸ دستورالعمل).

<sup>۲۱</sup> کارگروه ملزم است فهرست محصولات نفتی خاصی که بدون نیاز به اخذ کد شناسایی امکان صادرات دارند را به گمرک ایران اعلام کند (تبصره ۳ ماده ۱۸ دستورالعمل).

<sup>۲۲</sup> کارگروه ملزم است فهرست این‌گونه محصولات را که نیاز به دریافت کد شناسایی نداشته، اما برای اعلام نظر کارگروه ارجاع می‌شوند، به گمرک ایران اعلام نماید (تبصره ۴ ماده ۱۸).

<sup>۲۳</sup> سازمان ملی استاندارد، نهاد مستقل دولتی زیر نظر مستقیم رئیس جمهور است. این سازمان تا پیش از تصویب قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران در سال ۱۳۷۱، با عنوان «موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران» در بدنه وزارت صنایع (وزارت صنعت، معدن و تجارت کنونی) قرار داشت و پس از آن دارای شخصیت حقوقی مستقل شد و طبق تصویب‌نامه جلسه ۱۵۲ شورای عالی اداری در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۴ به «سازمان ملی استاندارد ایران» تغییر نام داد و زیر نظر مستقیم ریاست جمهوری قرار گرفت.

داشت که این مرجع، یک نهاد اداری است. اما مسئله اصلی اینست که ماهیت حقوقی نظرات اعلامی کارگروه چیست؟ به عبارتی روشن‌تر، آیا کارگروه یک مرجع اداری تشخیصی، شبه‌قضایی و یا کارشناسی است؟ اگر نهاد تشخیصی است، چرا دستورالعمل در تبیین هدف تاسیس کارگروه، آن‌را صراحتاً «مرجع رسیدگی کارشناسی و اعلام نظر فنی»<sup>۲۴</sup> تعریف کرده است؟ اگر نهاد شبه‌قضایی است، چرا نظرات آن قاطع دعوی نبوده و برای اتخاذ تصمیم به مراجع رسیدگی‌کننده پرونده (حسب مورد شعب ویژه سازمان تعزیرات حکومتی یا دادسرا و دادگاه انقلاب) اعلام می‌شود؟ نهایتاً اگر مرجع کارشناسی است، چرا نظرات آن منشأ رسیدگی به اتهام قاچاق و مستند رای مراجع رسیدگی‌کننده قرار می‌گیرد؟ بدیهی است که دریافت پاسخ دقیق به این مسئله افزون بر اینکه کارگروه را در ساختار نظام حقوق اداری ایران جانمایی می‌کند، ما را در تبیین نقش هنجاری تصمیمات آن و امکان اعمال نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر آن یاری می‌سازد.

دستورالعمل جامع امور نمایندگان قوه قضاییه و نظارت بر مراجع شبه‌قضایی مقرر می‌دارد که مرجع شبه‌قضایی، «مراجع اختصاصی اداری، شبه‌حقوقی، شبه‌کیفری، انتظامی یا صنفی است که جهت رسیدگی به صلاحیت، تخلفات، پیشگیری از طرح دعوا در دادگستری، قضاودایی و جرم‌زدایی به موجب قوانین و مقررات ایجاد شده است.»<sup>۲۵</sup> در تعریفی که از مراجع اختصاصی اداری در اصلاحیه اخیر قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ارائه شده است،<sup>۲۶</sup> این مراجع شامل «مراجع شبه‌قضایی» (موضوع بند ۲ ماده ۱۰ و ماده ۶۳ قانون) و «مراجع اداری تشخیصی» (موضوع ماده ۶۴ قانون) عنوان شده است؛ به عبارتی مراجع اختصاصی اداری به «کلیه مراجع و هیأت‌هایی که به موجب قوانین و مقررات قانونی، خارج از مراجع قضائی تشکیل می‌شوند و اقدام به رسیدگی به اختلافات، تخلفات و

<sup>۲۴</sup> تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل.

<sup>۲۵</sup> بند «ت» ماده ۱ دستورالعمل جامع امور نمایندگان قوه قضاییه و نظارت بر مراجع شبه قضایی مصوب ۱۳۹۹.

<sup>۲۶</sup> تبصره ۳ ماده ۳ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری با آخرین اصلاحات

شکایاتی می‌کنند که در صلاحیت آن‌ها قرار داده شده است؛ نظیر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، کمیسیون‌های مواد (۹۹) و (۱۰۰) قانون شهرداری ...، هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی، هیأت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما ... «(مراجع شبه‌قضایی) و همچنین «هیأت‌هایی که به موجب قوانین و مقررات قانونی تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت‌های علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده آن‌ها واگذار شده باشد» (مراجع اداری تشخیصی) اطلاق می‌شود. فارغ از اختلاف تفسیری از مفاد احکام قانونی یاد شده، آنچه که از این تعاریف به خوبی روشن می‌شود اینست که داشتن صلاحیت «رسیدگی» ترافی با هدف قضازدایی، برای اطلاق شبه‌قضایی بودن یک مرجع اداری (خارج از قوه قضائیه) ضرورت دارد. در واقع باید چنین مرجعی به موضوع رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید؛ حال آنکه اولاً کارگروه صلاحیت ترافی ندارد،<sup>۲۷</sup> بلکه صلاحیت تشخیصی دارد؛ ثانیاً به اتهام قاچاق رسیدگی نمی‌کند، بلکه در خصوص ماهیت محموله اعلام نظر کارشناسی می‌نماید؛ و ثالثاً نظر کارگروه منشأ دادرسی بوده و موجب تشکیل پرونده اتهام قاچاق فرآورده نفتی می‌شود و نه اینکه بسان رأی مرجع رسیدگی کننده، قاطع دعوی بوده، برای اشخاص ایجاد حق و تکلیف کرده و حکم لازم‌الاجرای باشد؛<sup>۲۸</sup> در واقع، نظر کارگروه برای اصدار رأی مقتضی به مراجع رسیدگی کننده (حسب مورد شعب ویژه رسیدگی به قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی یا دادسرا و دادگاه انقلاب) اعلام می‌شود. بنابراین، کارگروه یک مرجع شبه‌قضایی نیست.

حال، آیا کارگروه ماهیتاً یک مرجع اداری «تشخیصی» است؟ این نهاد از این حیث که به عنوان مرجع تشخیص مشابهت یا عدم مشابهت محموله صادراتی با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای تصمیم‌گیری می‌کند

<sup>۲۷</sup> اولاً کارگروه حکم قضیه را تعیین نکرده و صرفاً نظر خود را به مرجع رسیدگی کننده برای اصدار رأی مقتضی اعلام می‌کند و ثانیاً امکان حضور صاحب کالا در جلسات کارگروه بدوی وجود ندارد و در جلسات کارگروه تجدیدنظر هم تنها می‌تواند برای تسلیم اظهارات شفاهی حاضر شود (ر.ک به: بخش تعاریف در دستورالعمل)؛ این دلایل به خوبی نشان از غیر ترافی بودن و اتخاذ تصمیم یکجانبه کارگروه دارد.

<sup>۲۸</sup> باقری زبیری رحیم، حق پناهان، عباس، جایگاه مراجع شبه قضایی در نظام حقوقی ایران، مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ویژه‌نامه نوآوری حقوقی، ش ۱۵، ۱۴۰۰، صص ۸۴۵-۸۲۹.

و خود نسبت به اتهام قاچاق رسیدگی و اصدار رأی نمی‌کند، بسان یک مرجع «تشخیصی» اداری جلوه می‌نماید.<sup>۲۹</sup> گزینش‌گری کارگروه در اتخاذ تصمیم و اعلام نظر خود نوعاً ماهیت تشخیص و قضاوت در خصوص وجود یا عدم وجود مواد یارانه‌ای در محموله نفتی و میزان مشابهت آن با مشتقات نفتی یارانه‌ای دارد؛ به این معنی که کارگروه قدرت انتخاب در اعلام مشابهت یا عدم مشابهت دارد اما تصمیم‌گیری آن باید در چارچوب ضوابط دستورالعمل و سایر احکام قانونی خاص که جنبه آمره دارند باشد.<sup>۳۰</sup> به رغم اینکه تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل، کارگروه را صراحتاً مرجع «کارشناسی» بیان کرده است اما نگارندگان به دلایل مشروحه ذیل معتقدند که این مرجع پس از بررسی و کارشناسی فنی محموله نفتی، نهایتاً «تصمیم اداری تشخیصی» اتخاذ می‌نماید و وجه تسمیه‌ای با اعلام نظر کارشناسی از سوی مراجعی چون کارشناسان رسمی دادگستری ندارد:

اول؛ برخی وظایف کارگروه جنبه‌ی تصمیم اداری-اجرایی دارد و این با ماهیت نظرات کارشناسی معمول در آیین‌های دادرسی مدنی، اداری و کیفری که صرفاً به علم قاضی در کشف حقیقت موضوع کمک می‌کند،<sup>۳۱</sup> کاملاً متفاوت است. از جمله اینکه اعلام فهرست محصولات غیر قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای، فهرست محصولاتی که کد شناسایی نیاز ندارند و فهرست مشتقات نفتی جامد و نیمه‌جامد قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای از صلاحیت‌های اختیاری است که نوعاً به مثابه تصمیم اداری در رابطه با احصای مصادیق محصولات مذکور بوده و ماهیت کارشناسی ندارد،

<sup>۲۹</sup> شیبانی، عادل، مولابیگی، غلامرضا، درآمدی بر مفهوم صلاحیت تشخیصی و بایسته‌های نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر صلاحیت تشخیصی مراجع اختصاصی اداری، حقوق اداری، شماره ۲۶، ۱۴۰۰، صص ۱۲۹-۱۱۱.

<sup>۳۰</sup> شیبانی و مولابیگی، درآمدی بر مفهوم صلاحیت تشخیصی و بایسته‌های نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر صلاحیت تشخیصی مراجع اختصاصی اداری، همان ص ۱۱۷.

<sup>۳۱</sup> ساعی، سیدمحمدی، ثقفی، مریم، بررسی اعتبار نظریه کارشناس از منظر فقه و حقوق، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۷، شماره ۸۳، ۱۳۹۲، صص ۱۱۲-۸۸.

بلکه یک عمل وضعی یک‌جانبه و بسان تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری (رگولاتوری<sup>۳۲</sup>) است<sup>۳۳</sup>، بدین‌سان این امر قرینه‌ای بر رد این ادعاست که کارگروه صرفاً یک مرجع کارشناسی است. اگر اینگونه بود، آنگاه فهرست محصولات فوق‌الذکر می‌بایست از سوی مقام ذی‌صلاح مقررات‌گذار به ویژه وزارت نفت تصویب و ابلاغ می‌شد.

دوم؛ فرآیند اعلام نظرات کارگروه با نظام اعلام نظرات کارشناسی منطبق نیست. در رسیدگی‌های قضایی، نظر کارشناس، اعم از اینکه پیش از تشکیل پرونده و استماع دعوی اعلام شده (ماده ۱۴۹ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی) و یا پس از آن ارائه گردد (برای نمونه: ماده ۲۵۷ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ماده ۱۵۵ آیین دادرسی کیفری، ماده ۷ و بند ۴ ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری)، مبنای آغاز رسیدگی و دادرسی نمی‌باشد؛ در حالی که نظر اعلامی کارگروه مسبوق بر تشکیل پرونده و دادرسی مرجع رسیدگی‌کننده و مبنای رسیدگی آن است. به عبارتی روشن‌تر، چنانچه نظر کارگروه مبنی بر مشابهت محموله صادراتی با مواد نفتی یارانه‌ای نباشد، آنگاه موضوع برای تشکیل پرونده و صدور رأی مقتضی به مرجع رسیدگی‌کننده ارجاع نمی‌شود. در واقع دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی فرآیندی است که نظر اعلامی کارگروه در ابتدای آن بوده و علت تام آغاز رسیدگی در مراجع ذی‌صلاح می‌باشد، لذا نظر کارگروه نوعاً یک تصمیم اداری به لزوم اعلام جرم (از سوی گمرک) و تشکیل پرونده (در مراجع رسیدگی‌کننده) است که اقدامات اجرایی گمرک و حسب مورد رسیدگی‌های شبه‌قضایی یا قضایی موضوع از سوی مراجع ذی‌صلاح را الزام می‌دارد. بدین‌سان، کارویژه کارگروه با عملکرد بازپرس در آیین دادرسی کیفری مشابهت پیدا می‌کند که نظرات آن در قالب قرار قضایی، نوعی «تصمیم» موجد

<sup>32</sup> Regulatory

<sup>33</sup> هداوند، مهدی، جم، فرهاد، مفهوم دولت تنظیم‌گر: تحلیل تنظیم‌گری به مثابه ابزار حکمرانی، راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، ۱۴۰۰، صص ۲۶۶-۲۲۷؛

Heled Y, Rutschman AS, Vertinsky L, Regulatory Reactivity, *Food and Drug Law Journal*, Vol.76, No.2, 2021, pp.318-36.

صدور قرار جلب دادرسی متهم است که با نظر کارشناس تمایز مفهومی و حکمی دارد.<sup>۳۴</sup> با این تعبیر، همچنانکه بازپرس مقام قضایی بوده و نظر وی تصمیم قضایی - و نه کارشناسی قضایی - می‌باشد، کارگروه نیز به این سبب که یک مقام اداری است و نظراتش منشأ دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی و مستوجب آثار اجرایی است، در واقع تصمیم اداری اتخاذ می‌کند.

سوم؛ دو درجه‌ای بودن فرآیند رسیدگی در کارگروه نیز یکی دیگر از دلایلی است که نشان می‌دهد نظر کارگروه نوعاً نظریه کارشناسی نیست. وجود دو درجه بدوی و تجدید نظر در بدنه کارگروه، اختصاص به دادرسی پرونده‌ها داشته و با مراجع قضایی و شبه‌قضایی شباهت پیدا می‌کند. البته همانطور که پیش‌تر بیان شد کارگروه مرجع شبه‌قضایی نیست و دو درجه‌ای بودن نظرات آن نوعاً تاسیس بدیعی در حقوق اداری ایران تلقی می‌شود. شاید بتوان یکی از علل اصلی امکان تجدیدنظرخواهی از نظرات اعلامی کارگروه را اهمیت و حساسیت بالای تصمیم کارگروه دانست که علت تام آغاز دادرسی پرونده اتهام قاچاق فرآورده نفتی می‌باشد؛ در حقیقت، دو درجه‌ای بودن آن به نوعی به حصول اطمینان بیشتر و افزایش دقت و صحت آزمایش نمونه شاهد کمک می‌کند. حال آنکه کارشناسی، امری مبتنی بر مراحل است و نه درجات رسیدگی، مراحل کارشناسی حسب رویه قضایی و مبتنی بر حکم ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ابتدا توسط یک نفر و سپس به ترتیب در هیأت‌های سه، پنج، هفت، نه و یازده نفره و نهایتاً شورای عالی کارشناسان انجام می‌شود،<sup>۳۵</sup> در حالی که اعلام نظر کارگروه تنها برای یک بار و در صورت اعتراض در قالب تجدید نظرخواهی از نظر کارگروه بدوی قابل رسیدگی است. افزون بر اینکه هر دو کارگروه بدوی و تجدیدنظر دارای سه عضو هستند، در حالیکه اگر کارگروه یک مرجع کارشناسی باشد اصولاً باید کارگروه

<sup>۳۴</sup> یوسفی، ایمان، شفیعی، مهدی، مطالعه جایگاه بازپرس در قانون قدیم و جدید آیین دادرسی کیفری، فصلنامه قضاوت، دوره، ۱۷، شماره ۹۰، ۱۳۹۶، صص ۱۴۲-۱۲۵.

<sup>۳۵</sup> شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته (جلد اول)، نشر دراک، تهران، چاپ چهل و ششم، ۱۴۰۲.

تجدیدنظر مرکب از پنج عضو می‌بود. بنابراین، کارگروه تجدید نظر به صورت مرجع عالی و درجه دو عمل می‌کند و نه به عنوان هیأت کارشناسی جایگزین.

چهارم؛ آیین عملکردی کارگروه در اعلام نظر خود با آنچه که کارشناسان بدان عمل می‌کنند تفاوت اساسی دارد. در میان کارشناسان رسمی دادگستری این یک عرف مسلم است که به «اصل تناظر» (منتج از روح حاکم بر اصول کارشناسی منصفانه)<sup>۳۶</sup> پایبند باشند.<sup>۳۷</sup> این اصل ناظر بر این است که کارشناس باید بستری را فراهم نماید که طرفین رسیدگی به طور برابر بتوانند از حقوق خویشتن در روند رسیدگی دفاع کنند و برای هیچیک از آنان تبعیض قائل نشود؛ بنابراین، کلیه تشریفات و آیین رسیدگی اعم از حضور در جلسه رسیدگی و دفاع از حقوق خود باید به صورت کاملاً منصفانه و برابر برای طرفین رسیدگی فراهم شود. حال آنکه این امر در رسیدگی کارگروه موضوعیت ندارد؛ چراکه امکان حضور صاحب کالا در جلسات کارگروه بدوی وجود ندارد و اساساً نظرات وی استماع نمی‌شود؛ همچنین در جلسات کارگروه تجدیدنظر هم صاحب کالا تنها می‌تواند با درخواست رسمی صرفاً برای تسلیم اظهارات شفاهی و نه کتبی حاضر شود.<sup>۳۸</sup> از این رو، تصمیم‌گیری کارگروه جنبه یکجانبه و غیرتناظری دارد. جالب آنکه نظرات کارگروه مستقیماً در اعلام تخلف یا جرم از سوی گمرک مؤثر است. از آنجا که اعلام قاچاق، صلاحیت تکلیفی گمرک است، لذا عملاً این امر از سوی کارگروه صورت گرفته است؛ حال آنکه نظرات کارشناس هرگز الزام قانونی به اعلام جرم یا تخلف ایجاد نخواهد کرد. بنابراین، کارگروه با کارشناس در شیوه عملکردی و آثار تصمیمات اتخاذی در آیین دادرسی تفاوت بنیادین دارد.

<sup>۳۶</sup> بنگرید به قسم نامه مندرج در ماده ۱۷ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱.

<sup>۳۷</sup> محمدی، سام، قلی پور علمداری، مهران، *مطالعه تطبیقی اصل تناظر در حقوق ایران و انگلیس*، پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۴، شماره ۱۵، ۱۳۹۵، صص ۱۲۷-۱۰۹.

<sup>۳۸</sup> ر.ک به: بخش تعاریف در دستورالعمل (کارگروه تجدیدنظر).

پنجم؛ اعلام نظر این مرجع موجب اقدامات اجرایی گمرک، از جمله اخذ تضامین از ذی‌نفع (متهم) می‌شود. مطابق ضوابط دستورالعمل، گمرک ملزم است در پی اعلام نظر کارگروه، اقدامات اجرایی زیر را انجام دهد و این امر نشانگر اینست که نظر کارگروه صرفاً یک نظر کارشناسی مشورتی برای مراجع رسیدگی کننده به پرونده نیست، بلکه نوعاً تصمیمی است که مبنای اقدامات گمرک قرار می‌گیرد و اجرایی ساختن مراتب اداری و آثار قانونی آن برای این دستگاه دولتی الزام‌آور است: ۱- عدم اجازه خروج برخی محموله‌های نفتی که هنوز کارگروه نسبت به آن‌ها اعلام نظر نکرده است؛<sup>۳۹</sup> ۲- اعلام جرم یا تخلف قاچاق؛<sup>۴۰</sup> ۳- ابلاغ نظریه اعلامی کارگروه و نتایج آزمون به صاحب کالا؛<sup>۴۱</sup> ۴- اخذ تضامین از صاحب کالا برای محصولی که نسبت به آن اعلام جرم یا تخلف قاچاق شده است.<sup>۴۲</sup> اگر کارگروه صرفاً مرجع کارشناسی بود، نظرات اعلامی آن می‌بایست ضرورتاً طریقت در رسیدگی به موضوع می‌داشت، حال آنکه نظر کارگروه مبنی بر وجود مشابهت مواد نفتی یارانه‌ای، ضمن الزام به اعلام قاچاق و اتخاذ اقدامات اجرایی مذکور، موجب تشکیل پرونده در مراجع رسیدگی کننده شده و مستند رای دادرسی قرار می‌گیرد؛ از این حیث، نظر کارگروه در دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی صرفاً موضوعیت می‌یابد.

از این مسائل به خوبی برمی‌آید که در اندیشه واضعان دستورالعمل، این مسأله مفروض گرفته شده است که نظر کارگروه نوعاً جنبه تعیین کننده در تحقیق و کشف قاچاق و آغاز دادرسی آن دارد؛ و تصمیمی اتخاذ می‌کند که ماهیت تشخیصی داشته و آثار اجرایی در پی دارد. اگر به تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل نیز نگریسته شود، تصریح این ماده به اینکه نظرات اعلامی کارگروه «در مراجع

<sup>۳۹</sup> ماده ۴۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (با آخرین اصلاحات سال ۱۴۰۱)؛ تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۲۴ دستورالعمل.  
<sup>۴۰</sup> این امر صرفاً در مواردی که نظر کارگروه بر وجود مواد نفتی با منشأ غیر مجاز در محموله صادراتی باشد «ب» و «پ» ماده ۳۱ دستورالعمل، صورت می‌گیرد. (ماده ۳۲ دستورالعمل)  
<sup>۴۱</sup> تبصره ماده ۳۲ دستورالعمل.  
<sup>۴۲</sup> ماده ۳۴ دستورالعمل.



رسیدگی کننده در خصوص فرآورده و مشتق نفتی مورد استناد خواهد بود» ناظر بر همین مفروض است. به عبارتی روشن‌تر، به نظر می‌رسد واضعان دستورالعمل به خوبی به این مسأله واقف بوده‌اند که عملاً آنچه ماهیت محموله صادراتی نفتی را از حیث مشابهت با مواد نفتی یارانه‌ای مشخص ساخته و مبنای تشکیل پرونده و آغاز دادرسی قرار می‌گیرد، نظر کارگروه است و دادرسی در رسیدگی به پرونده با توجه به فنی بودن موضوع، نوعاً مبنای احراز وقوع تخلف یا جرم را حسب مورد همان نظر اعلامی کارگروه قرار می‌دهد. البته اینکه دادرسی نقش منفعل ایفا کرده و در تحقیق و کشف جرم یا تخلف قاچاق صرفاً به نظر اعلامی کارگروه بسنده کند با اصول دادرسی منصفانه و اصل استقلال قاضی در تعارض آشکار خواهد بود.<sup>۴۳</sup>

با عنایت به کلیه مطالب پیش‌گفته و ذکر این نکته که نظر کارگروه، ماهیتاً ناظر بر تشخیص وجود یا عدم وجود مواد یارانه‌ای در محموله نفتی بوده و عملاً تحقق یا عدم تحقق قاچاق فرآورده نفتی را محرز می‌سازد، لذا صلاحیت کارگروه از نوع اداری تشخیصی است که ملهم از تعریف ارائه شده از این نوع صلاحیت‌ها در آموزه‌های حقوقی،<sup>۴۴</sup> تکلیف کارگروه در رسیدگی فنی و تخصصی فرآورده‌های نفتی صادراتی به نوعی داوری در خصوص ماهیت آن‌ها است که بنابر استانداردها، مقتضیات خدمات عمومی و ضرورت‌های ناشی از سیاست‌های کلان جامعه - از جمله مبارزه با قاچاق کالا، حمایت از تولید ملی، جلوگیری از فساد اقتصادی و افزایش توان صنعت در صادرات، ارزآوری و اشتغال‌زایی - مبتنی بر احکام و ضوابط قانونی و معیارها و استانداردهای اعلامی مراجع اداری ذیربط - همچون وزارت صمت، سازمان ملی استاندارد و وزارت نفت - اتخاذ تصمیم می‌نماید. به طور کلی کارویژه

<sup>۴۳</sup> ساقیان، محمد مهدی، اسلامی، زهرا، کارکردهای اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۸، شماره ۲۲، ۱۴۰۰، صص ۱۵۴-۱۲۵؛

Stainton I, Ewin R, *Criminal investigation*, Critical Publishing: London, 2022.

<sup>۴۴</sup> شیبانی و مولایی، درآمدی بر مفهوم صلاحیت تشخیصی و بایسته‌های نظارت قضایی دیوان عدالت اداری

بر صلاحیت تشخیصی مراجع اختصاصی اداری، همان ص ۱۱۹.

مراجع اداری تشخیصی، «تشخیص موضوعات تخصصی از قبیل صلاحیت‌های علمی، فنی، امنیتی و گزینشی» با خصلت شبه‌ترافعی<sup>۴۵</sup> است که در خصوص کارگروه تعیین ماهیت، صلاحیت تخصصی فنی با همان ویژگی شبه‌ترافعی،<sup>۴۶</sup> حاکم است.

## گفتار دوم: امکان‌سنجی بازنگری قضایی دیوان بر تصمیمات شعب ویژه و کارگروه

متعاقب اعلام نظر کارگروه، گمرک موظف است مراتب تخلف یا جرم قاچاق فرآورده نفتی را به مرجع ذی‌صلاح برای رسیدگی و صدور حکم مقتضی اعلام نماید. همانطور که پیش‌تر بیان شد، دادسرا و دادگاه انقلاب مرجع صالح رسیدگی به پرونده‌های «جرائم» قاچاق فرآورده‌های نفتی بوده و شعب ویژه رسیدگی به قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی نیز صلاحیت رسیدگی به «تخلفات» قاچاق مشتقات نفتی را دارد. شعب ویژه سازمان تعزیرات حکومتی، در دو درجه‌ی بدوی و تجدید نظر تشکیل می‌شوند. شعب بدوی ویژه قاچاق کالا و ارز، مراجع تخصصی هستند که رؤسای آن‌ها از میان رؤسای اعضای شعب سازمان با ابلاغ رییس سازمان منصوب می‌شوند. شعب تجدید نظر نیز متشکل از یک نفر رییس و دو نفر مستشار بوده و جلسات آن با حضور رییس و حداقل یکی از مستشاران

---

<sup>۴۵</sup> به این معنا که «اولاً، در اغلب آن‌ها اشخاص در روند رسیدگی و اعلام نظر می‌توانند یا باید ادله و مستندات خود را در راستای اجابت خواسته مورد نظرشان ارائه کنند؛ ثانیاً، نظر و تصمیم اعلام شده، گاه در ساختار همان مراجع با درخواست اشخاص قابل بازبینی و تجدیدنظر است.» همان ص ۱۲۳.

<sup>۴۶</sup> اولاً صادرکننده کالا ملزم است مستندات مربوط به محموله صادراتی نفتی مزبور را تسلیم نماید (ثبت در سامانه برخط) و می‌تواند ادله خود را به کارگروه ارائه کند (فصل اول دستورالعمل)؛ و ثانیاً می‌تواند از نظر کارگروه بدوی اعتراض کند تا موضوع در کارگروه تجدیدنظر مجدداً مورد رسیدگی قرار گیرد (م ۳۷ دستورالعمل).

رسمیت می‌یابد که رأی صادره با نظر موافق حداقل دو نفر از اعضا معتبر و لازم‌الاجرا می‌باشد.<sup>۴۷</sup> از آنجا که سازمان تعزیرات حکومتی به رغم صلاحیت رسیدگی ترافیعی، مرجع قضایی نبوده و در بدنه وزارت دادگستری تعریف شده است،<sup>۴۸</sup> لذا به منظور اعمال نظارت قضایی بر پرونده‌های قاچاق در این سازمان، در قانون مقرر شده است که رییس شعب تجدید نظر ویژه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز به پیشنهاد رییس سازمان پس از تأیید وزیر دادگستری از بین «قضات» دارای پایه ۹ قضایی پس از موافقت رییس قوه قضاییه با ابلاغ ایشان منصوب شود.<sup>۴۹</sup> از میان اعضای شعب ویژه سازمان، تنها رییس شعبه تجدید نظر ویژه مقام قضایی است و رؤسای شعب بدوی ویژه و مستشاران شعب تجدید نظر ویژه از میان مقامات قضایی نیستند.<sup>۵۰</sup> بنابراین تفوق قضایی در رسیدگی و صدور حکم پرونده در این شعب وجود ندارد. حال آنکه پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی مسائل تخصصی و پیچیده‌ای را به همراه دارند که رسیدگی به آن‌ها مستلزم داشتن مهارت فنی، دانش قضایی و تسلط به حقوق کیفری است و چنانچه این امر به غیر مقام قضایی واگذار شود، ممکن است دادرسی به دلیل نداشتن تخصص کافی در رسیدگی به آن‌ها، نقش منفعل ایفا کرده و به نظر کارگروه اکتفا کند و یا در بسیاری از موارد استدلال حقوقی نه‌چندان دقیقی از ماهیت موضوع ارائه دهد؛ معضلی که در حال حاضر مبتلابه دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی در سازمان تعزیرات حکومتی است.<sup>۵۱</sup>

<sup>۴۷</sup> ماده ۸ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی.

<sup>۴۸</sup> سازمان تعزیرات حکومتی زیر نظر وزیر دادگستری تشکیل (ماده ۱ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی) و رییس آن، معاون وزیر دادگستری می‌باشد که توسط وزیر دادگستری منصوب شده و به تعداد مورد نیاز معاون خواهد داشت (ماده ۲ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی).

<sup>۴۹</sup> ماده ۴۹ قانون قاچاق.

<sup>۵۰</sup> ماده ۱۰ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی.

<sup>۵۱</sup> پتفت، آرین، کاویانی، حامد، آسیب‌شناسی حقوقی رسیدگی به پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی در پرتو حق بر دادخواهی، حقوق پزشکی، ویژه نامه تحولات حقوقی، شماره ۱۶، ۱۴۰۱، صص ۱۱۸-۱۰۳.

از آنجا که دیوان عدالت اداری مطابق با روح حاکم بر اصل ۱۷۳ قانون اساسی، مرجع قضایی اختصاصی رسیدگی به شکایت شهروندان از تصمیمات و اقدامات دولتی می‌باشد و از طرفی، سازمان تعزیرات حکومتی نیز در بدنه دولت (وزارت دادگستری) تعریف شده است، بنابراین اصولاً آرای قطعی صادره از شعب این سازمان که ماهیت غیر قضایی داشته و تصمیم اختصاصی اداری تلقی می‌شوند،<sup>۵۲</sup> قابل اعتراض در شعب دیوان می‌باشد.<sup>۵۳</sup> این امر در بطن استدلال هیأت عمومی دیوان نیز کاملاً مشهود است: «... نظر به اینکه ... سازمان تعزیرات حکومتی از اجزای قوه مجریه می‌باشد و شعب تعزیرات حکومتی در زمره مراجع اختصاصی اداری قرار دارند و در عداد مراجع قضایی ... محسوب نمی‌شوند، بنابراین آرای قطعی شعب مزبور ... قابل اعتراض و رسیدگی در دیوان است...»<sup>۵۴</sup> در این رابطه اصولاً نباید میان شعب عادی و ویژه تعزیرات حکومتی قائل به تفاوت بود؛ با این حال، قانونگذار در قانون قاچاق، دیوان را صالح به رسیدگی به اعتراض نسبت به آرای قطعی شعب ویژه تعزیرات حکومتی ندانسته و از این رو، دادرسی اداری را از فرآیند رسیدگی به پرونده‌های تخلفات قاچاق فرآورده‌های نفتی حذف کرده است.<sup>۵۵</sup> با این وجود، علت اینکه چرا قانونگذار میان شعب عادی و ویژه تعزیرات حکومتی قائل به تمیز شده و رسیدگی به اعتراض نسبت به رأی قطعی صادره از سوی شعبه ویژه را برخلاف شعبه عادی در صلاحیت دیوان عدالت اداری ندانسته است، معلوم نیست. شعب ویژه همچون شعب عادی به عنوان بخشی از بدنه سازمان تعزیرات حکومتی، ماهیتاً مراجع اختصاصی اداری بوده و رأی قضایی صادر نمی‌کنند. از طرفی، همانطور که پیش‌تر بیان شد، رییس شعبه ویژه بدوی، مقام قضایی نبوده و در شعبه تجدید نظر ویژه نیز که مقام قضایی ریاست آن را بر عهده دارد، تفوق قضایی

<sup>۵۲</sup> یزدان‌مهر، محمد، *تحلیلی بر قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری*، نشر مجد، تهران، ۱۴۰۲.

<sup>۵۳</sup> مستنبط از حکم بند ۲ ماده ۱۰ و تبصره ۳ ماده ۳ قانون دیوان عدالت اداری ۱۴۰۲.

<sup>۵۴</sup> رأی شماره ۲۵۲ مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

<sup>۵۵</sup> تبصره ۲ ماده ۵۰ قانون قاچاق: «آرای صادره از شعب تعزیرات حکومتی در مورد پرونده‌های قاچاق کالا و ارز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی نیست». این موضوع در رأی اخیر هیأت عمومی دیوان نیز تصریح شده است. (رأی شماره ۱۷۷۵ مورخ ۱۳۹۹/۱/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری).

برقرار نیست، لذا بر اساس اصول کلی حقوق اداری نیز نمی‌توان رأی قطعی صادره از شعب ویژه را مشمول اعتبار امر مختومه قرار داده و مرجع قضایی را صالح به رسیدگی به اعتراض از این آرا ندانست.<sup>۵۶</sup> از این رو حکم قانون به خروج صلاحیتی شعب دیوان عدالت اداری از این موضوع، درخور تأمل و قابل نقد است.

با عنایت به اینکه حق بر دادخواهی مستلزم حق شکایت ذی‌نفع از تصمیمات و اقدامات اداری در مراجع قضایی - به عنوان مرجع اصلی و بی‌طرف حمایت از حقوق اشخاص - است، لذا باید سازوکارهای امکانی صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراض ذی‌نفع در پرونده‌های قاچاق فرآورده نفتی را مد نظر قرار داد.<sup>۵۷</sup> بنابراین، باید تا جایی که امکان دارد از ظرفیت‌های قانونی برای اعمال نظارت قضایی دیوان بر تصمیمات اتخاذی مراجع در فرآیند رسیدگی به تخلفات قاچاق فرآورده‌های نفتی استفاده کرد. در این میان با توجه به رد صلاحیت رسیدگی دیوان بر آرای اصرداری شعب ویژه، تنها این مسئله قابل طرح است که آیا دیوان در رسیدگی به اعتراض ذی‌نفع از نظریه اعلامی کارگروه صلاحیت دارد؟ نظر اعلامی این مرجع، منشاء تشکیل پرونده قاچاق فرآورده نفتی نزد مراجع رسیدگی‌کننده می‌باشد و به نظر می‌رسید که چنانچه این نظر در دیوان عدالت اداری ابطال شود، کل فرآیند رسیدگی به پرونده قاچاق متوقف می‌شود و این خود می‌تواند تفوق قضایی را بر فرآیند رسیدگی به اینگونه پرونده‌ها متحقق سازد.

پیش‌تر بیان شد که با توجه به تبصره ۳ ماده ۳ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و مفاد دستورالعمل و نیز رویه عملی فعالیت کارگروه، این مرجع تصمیم اداری تشخیصی اتخاذ می‌نماید، لذا به حکم ماده ۶۴ قانون دیوان عدالت اداری (۱۴۰۲)، «در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه‌ای

<sup>۵۶</sup> پتفت، آرین، مرکز مالگیری، احمد، مفهوم و قلمرو اصول کلی حقوق اداری: امکان و چگونگی استناد به آن در رسیدگی‌های قضایی، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۶.

<sup>۵۷</sup> همتی، مجتبی، تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری، با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۹، شماره ۵۵، ۱۳۹۶، صص ۲۷۲-۲۴۵.

لازم‌الاجرا، تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت‌های علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده کمیسیون یا هیأت‌هایی واگذار شده باشد، شعب دیوان فقط از جهت رعایت ضوابط قانونی و تطبیق موضوع و فرآیند بررسی آن بر اساس قانون یا مصوبه رسیدگی می‌کنند و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیأت کارشناسی تخصصی ذی‌ربط که توسط شعبه تعیین می‌گردد، با کسب نظر آنان، مبادرت به انشای رأی نماید.» با توجه به اینکه حسب احکام دستورالعمل کارگروه داری صلاحیت تشخیصی تخصصی در رابطه با تعیین ماهیت مشتقات نفتی می‌باشد، لذا بنا به نص صریح این ماده، شعب دیوان صلاحیت رسیدگی به اعتراض ذی‌نفع نسبت به نظریه اعلامی کارگروه را دارا می‌باشند و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، نظر هیأت کارشناسی تخصصی در رابطه به موضوع شکایت اخذ می‌شود. دیوان می‌تواند در این خصوص از ظرفیت قانونی «اعلام نظر کارشناسان متخصص» که در ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری منعکس شده است بهره بگیرد.<sup>۵۸</sup>

با این حال، حسب استعلام معاون قضایی دادستان کل کشور از دیوان عدالت اداری در رابطه با این مسأله که «آیا اعتراض به نظرات کارگروه مزبور در صلاحیت دیوان عدالت اداری است یا خیر؟»، پاسخ کمیسیون اداری، استخدامی و فرهنگی دیوان به این سؤال منفی بود.<sup>۵۹</sup> استدلال کمیسیون مذکور اینست که «نظر کارگروه ... کارشناسی است که فی‌نفسه ماهیت اجرایی ندارد و مبنای تصمیم‌گیری در مراجع رسیدگی کننده دیگری از قبیل دادگاه‌ها، دادسرا یا شعب سازمان تعزیرات حکومتی قرار می‌گیرد.» حال آنکه این موضوع از چند جهت در خور نقد است. اول، اینکه برخلاف نظر کمیسیون،

<sup>۵۸</sup> «دیوان می‌تواند جهت اعلام نظر در امور تخصصی، حسب مورد از کارشناسانی در رشته‌های مختلف که دارای مدرک کارشناسی با حداقل ده سال سابقه یا دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد با حداقل پنج سال سابقه در رشته مورد نیاز می‌باشند، بدون ایجاد تعهد استخدامی استفاده نماید...»

<sup>۵۹</sup> نظر مشورتی شماره ۹۰۰۰/۲۰۰/۱۷۷۲۴/۲۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۲/۴ کمیسیون اداری، استخدامی و فرهنگی دیوان عدالت اداری.

نظر کارگروه همانطور که قبلاً به تفصیل بیان شد فی‌نفسه ماهیت اجرایی داشته و گمرک ملزم به انجام اقدامات اداری نظیر اعلام تعلیق تسهیلات گمرکی، ممانعت از خروج محموله‌های صادراتی، ابلاغ مراتب لزوم پرداخت وجه مابه‌التفاوت، عدم ارائه خدمات و تسهیلات گمرکی و ابطال اظهارنامه صادراتی می‌باشد؛ دوم، همانطور که به تفصیل استدلال شد، نظریه اعلامی کارگروه ماهیتاً تصمیم اداری تشخیصی است؛ سوم، در استعلام به عمل آمده از دیوان عدالت اداری در این رابطه، درست‌تر آن بود که به جای ارجاع موضوع به «کمیسیون اداری، استخدامی و فرهنگی»، از «کمیسیون صلاحیت و آیین دادرسی دیوان» برای اعلام نظر مشورتی بهره گرفته می‌شد، چراکه از یک‌سو، سؤال اصلی این استعلام را بحث از «صلاحیت» دیوان در رسیدگی به نظریه اعلامی کارگروه تشکیل می‌دهد و نه بررسی «اداری» ماهیت این نظریه و از سوی دیگر، به دلیل جنبه تخصصی موضوع از حیث امکان سنجی فرجام‌خواهی از نظر این مرجع نزد دیوان عدالت اداری و تحلیل آیین دادرسی اداری، کمیسیون اخیرالذکر به مراتب تخصص و اشراف بیشتری بر آن داشت.

با عنایت به این توضیحات، نگارندگان معتقدند که نظریه قطعی اعلامی کارگروه قابل اعتراض در شعب دیوان عدالت اداری است. شایان ذکر است که عدم تجدید نظرخواهی ذی‌نفع از نظر کارگروه بدوی در مهلت تجدید نظرخواهی، سالب حق دادخواهی وی از تصمیم کارگروه به دیوان عدالت اداری نمی‌باشد، چراکه با وحدت ملاک از رأی وحدت رویه اخیرالصدور هیأت عمومی دیوان عالی کشور می‌توان این‌گونه استنباط کرد که همانطور که فرجام‌خواهی با اسقاط حق تجدید نظرخواهی حتی قبل از انقضای مهلت تجدید نظرخواهی قابل پذیرش است، اعتراض از نظریه اعلامی کارگروه پس از انقضای مهلت تجدید نظرخواهی، به سبب قطعی شدن تصمیم کارگروه نزد دیوان عدالت اداری قابل پذیرش است.<sup>۶۰</sup> بنابراین، نظرات اعلامی کارگروه تجدید نظر و نظرات قطعی کارگروه بدوی در شعب

<sup>۶۰</sup> مطابق با رأی وحدت رویه شماره ۸۱۹ مورخ ۱۴۰۱/۱/۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور اگر محکوم‌علیه در دعوی حقوقی که به استناد ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، حق فرجام‌خواهی دارد به

دیوان در قالب اعتراض به تصمیم اداری تشخیصی موضوع ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قابل طرح هستند.

در یکی از پرونده‌های شعبه سوم دیوان عدالت اداری در خصوص اعتراض از نظریه اعلامی قطعی کارگروه تعیین ماهیت،<sup>۶۱</sup> شاکی اعلام می‌نماید که تصمیم اتخاذی کارگروه از حیث قانونی مخدوش بوده و خواستار تایید نمونه‌برداری و اظهارنامه‌های صادراتی (کوتاژ) و رفع اثر از تصمیم کارگروه مزبور شده است. به بیان شاکی پرونده، کارگروه در اعلام نظر خود تشریفات قانونی (از جمله رعایت مهلت زمانی، لحاظ ضریب خطای مجاز و آزمایش استاندارد از نمونه شاهد) را رعایت نکرده است. شعبه دیوان ضمن احراز صلاحیت خود در رسیدگی به این شکایت، اینگونه انشای رای نمود که کارگروه، مهلت قانونی اظهار نظر نهایی را بر اساس دستورالعمل رعایت نکرده و با چندین ماه تأخیر نظر خود را اعلام داشته است و این در حالی است که علی‌القاعده نمونه‌های اخذ شده از محموله نفتی صادراتی در طول این مدت دچار تغییر فرمولاسیون شده و حالت و ماهیت اولیه خویش را از دست داده‌اند و نتایج آزمایش انجام‌شده بر روی آن‌ها عملاً مخدوش و فاقد اعتبار می‌باشند؛ از این رو، شعبه دیوان حکم به ورود شکایت صادر و نظریه اعلامی کارگروه را با توجه به «عدم رعایت ضوابط قانونی» ابطال نمود. بنابراین، از این رای شعبه دیوان به خوبی مشاهده می‌شود که دیوان با مفروض دانستن ماهیت اداری تشخیصی نظریه‌های اعلامی کارگروه و صلاحیت دیوان در رسیدگی به اعتراض اشخاص نسبت به آن (به موجب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری)، عدم رعایت ضوابط قانونی در تصمیم اتخاذی کارگروه را احراز کرده و آن را از درجه اعتبار ساقط کرده است.

نحوی از انجا، حق تجدید نظرخواهی خود را اسقاط نماید، همچنان حق فرجام‌خواهی برای ایشان محفوظ خواهد ماند و مرجع رسیدگی‌کننده نمی‌تواند به استناد اسقاط حق تجدید نظرخواهی، درخواست فرجام‌خواهی را مسموع نداند.  
<sup>۶۱</sup> شماره دادنامه: ۱۴۰۰۳۱۳۹۰۰۰۲۲۴۷۳۲۱؛ مورخ: ۱۴۰۰/۹/۳؛ شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری. این رای در مرحله تجدیدنظر ابرام شد.



نظرات اعلامی کارگروه در تشخیص نوع مواد محتوی محموله نفتی صادراتی از جهت انطباق با آنچه در اظهارنامه صادراتی اعلام شده و میزان مشابهت با مشتقات نفتی بارانه‌ای (مثلاً بنزین یا گازوئیل) همانند تصمیمات اتخاذی کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تامین اجتماعی در تشخیص نوع بیماری و میزان از کارافتادگی کارگران است. شعب دیوان عدالت اداری در خصوص آرای اصداری این کمیسیون نیز از حیث رعایت ضوابط قانونی اعمال بازنگری قضایی می‌کنند. برای نمونه در پرونده شعبه ۱۵ دیوان، دادگاه اعلام می‌دارد که کمیسیون‌های پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تامین اجتماعی «... تنها حق اظهار نظر راجع به نوع بیماری و میزان از کار افتادگی را دارند. بنابراین تاریخ ابتلاء به بیماری در صلاحیت کمیسیون نبوده و می‌باید با ملاحظه مدارک پزشکی به عمل آید که رای وحدت رویه شماره ۷۹ صادره از هیات عمومی دیوان عدالت اداری موید همین مطلب است. لذا با توجه به مراتب فوق حکم به ابطال رای مورخ ... کمیسیون پزشکی تامین اجتماعی استان تهران از حیث تاریخ، و برقراری مستمری از کار افتادگی کلی که بر استفاده ماده ۷۵ قانون تامین اجتماعی حائز شرایط می‌گردد صادر و اعلام می‌گردد...»<sup>۶۲</sup>

کمیسیون ماده ۲۰ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، از جمله مراجع تخصصی دیگری است که با کارگروه شباهت دارد. تشخیص صلاحیت فنی متقاضیان ایفای مسئولیت در مؤسسات پزشکی و داروسازی یا صدور پروانه فعالیت در این خصوص و احراز صلاحیت آنان در ورود و ساخت هر نوع دارو و مواد بیولوژیک بر عهده این کمیسیون است. اینکه متقاضی صلاحیت فعالیت در چه نوع مواد دارویی و بیولوژیک را داشته و محدوده مجوز فعالیت وی تا چه میزان است، توسط این کمیسیون تشخیص داده شده و تعیین می‌شود. رویه قضایی کشورمان

<sup>۶۲</sup> شماره دادنامه: ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۰۸۱۷؛ مورخ: ۱۳۹۵/۳/۵؛ شعبه ۱۵ بدوی دیوان عدالت اداری. این رای در مرحله

نشان می‌دهد که بازنگری قضایی بر تصمیمات اتخاذی این کمیسیون از حیث رعایت ضوابط قانونی در صلاحیت شعب دیوان است. برای نمونه در رای شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان، مقرر شده است که «... اتخاذ تصمیم در خصوص لغو پروانه تأسیس و مسئول فنی داروخانه‌ها بر عهده محاکم قضایی است و حتی در صورتی که مطابق آئین نامه داروخانه‌ها تجدیدنظر در مورد صلاحیت دارندگان پروانه تأسیس یا مسئول فنی در صلاحیت کمیسیون ماده ۲۰ صدرالذکر باشد بر اساس اصول دادرسی و محاکمات، اتخاذ تصمیم در این خصوص بایستی پس از ثبوت تخلف با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب تخلف باشد که در ما نحن فیه تشریفات مذکور رعایت نگردیده و با این اوصاف رأی معترض عنه صادره از کمیسیون ماده ۲۰ از حیث کمال و کفایت رسیدگی و تناسب تخلفات انتسابی با مجازات تعیین شده مواجه با خدشه می‌باشد، در نتیجه حکم به نقض آن و رسیدگی مجدد با توجه به مفاد این رأی صادر و اعلام می‌گردد...»<sup>۶۳</sup>

### نتیجه گیری

در مقاله حاضر دریافتیم که برخی وظایف کارگروه تعیین ماهیت جنبه‌ی تصمیم اداری-اجرایی دارند؛ اعلام نظر این مرجع موجب اقدامات اجرایی گمرک، از جمله اخذ تضامین از ذی‌نفع (متهمم) می‌شود. همچنین، اعلام فهرست محصولات غیر قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای، فهرست محصولاتی که کد شناسایی نیاز ندارند و فهرست مشتقات نفتی جامد و نیمه‌جامد قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای از سوی کارگروه نوعاً بمتابه اعمال وضعی یک‌جانبه بوده و ماهیت تنظیم‌گری دارند. نظریه‌های اعلامی کارگروه برخلاف نظرات کارشناسی، مبنای آغاز رسیدگی و دادرسی پرونده‌های تخلف و جرم قاچاق فرآورده‌های نفتی قرار می‌گیرد و از این رو، عملکرد کارگروه با بازپرس در آیین دادرسی کیفری مشابهت پیدا می‌کند. نظر کارگروه، مبتنی بر درجات بدوی و تجدیدنظر است و نه مراحل؛ چنانچه ذینفع اعتراضی به نظریه اعلامی کارگروه بدوی داشته باشد موضوع را در مرجع

<sup>۶۳</sup> شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۳۰۲۵۱۲؛ مورخ: ۱۳۹۱/۸/۲۱؛ شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

رسیدگی کننده به پرونده مطرح کرده و پس از ارجاع شکایت، کارگروه تجدیدنظر ملزم به رسیدگی به آن می‌باشد. آیین عملکردی کارگروه نیز با آنچه که کارشناسان بدان عمل می‌کنند از دو حیث یکجانبه بودن و غیرتناظری بودن تفاوت اساسی دارد. از مجموع این مطالب، دریافته شد که کارگروه، مرجع اداری تشخیصی بوده و تصمیمات آن با نظرات کارشناسی تفاوت ماهوی دارد. از این رو، برخلاف نظر مشورتی کمیسیون اداری، استخدامی و فرهنگی دیوان عدالت اداری، مقاله حاضر نشان داد که نظریه اعلامی کارگروه، با توجه به ماهیت اداری تشخیصی آن، قابل اعتراض در شعب دیوان است؛ در این راستا بازنگری قضایی دیوان بر تصمیمات اتخاذی کارگروه با توجه به سیاق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری می‌تواند در قالب «بررسی و تطبیق موضوع از جهت رعایت ضوابط قانونی» اعمال شود؛ همچنانکه با بررسی رویه قضایی دیوان محرز شد که شعب دیوان به اعتراض اشخاص از تصمیمات اتخاذی مراجع تخصصی اداری مشابه با کارگروه - که نوع و میزان موضوع تخصصی و فنی تحت صلاحیت خود را تشخیص می‌دهند - رسیدگی کرده است؛ حتی در یکی از پرونده‌های دیوان، شعبه خود را نسبت به اعمال بازنگری بر نظریه اعلامی کارگروه ذیصلاح دانسته است. افزون بر این، با توجه به اینکه تفوق قضایی بر شعب ویژه سازمان تعزیرات حکومتی وجود نداشته و به سبب نص صریح قانون، دیوان صلاحیت بازنگری قضایی بر آرای شعب مذکور را ندارد و از طرفی با عنایت به حساسیت بسیار زیاد و تخصصی بودن پرونده‌های تخلف قاچاق فرآورده‌های نفتی که ماهیت کیفری دارند، باید تا جایی که امکان دارد از ظرفیت‌های قانونی برای اعمال نظارت قضایی بر تصمیمات اتخاذی مراجع در فرآیند رسیدگی به تخلفات قاچاق فرآورده‌های نفتی استفاده کرد؛ هرچند این امر در واقع نمی‌تواند خلأ نظارت قضایی دیوان بر آرای شعب ویژه تعزیراتی را جبران سازد، اما به هر حال گام رو به جلویی در راستای بهبود تفوق قضایی در فرآیند دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی محسوب می‌شود. به همین سبب لزوم اعمال نظارت قضایی دیوان بر نظرات اعلامی کارگروه که منشأ تشکیل پرونده‌های تخلف قاچاق فرآورده‌های نفتی می‌شود، از حیث استدلالی نیز امری قابل دفاع و ضروری جلوه می‌کند.

## منابع

- امیررحیمی، حسین، حسینی، سید شمس الدین، سیدنورانی، سید محمدرضا، محمدی، تیمور، صفرزاده، اسماعیل، بررسی وضعیت خصوصی سازی صنایع پالایش نفت ایران با رویکرد DID (فازی)، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، دوره ۱۰، شماره ۳۷، ۱۳۹۹، صص ۱۱-۳۵.
- باقری زیاری رحیم، حق پناهان، عباس، جایگاه مراجع شبه قضایی در نظام حقوقی ایران، مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ویژه نامه نوآوری حقوقی، ش ۱۵، ۱۴۰۰، صص ۸۴۵-۸۲۹.
- پتفت، آرین، کاویانی، حامد، آسیب شناسی حقوقی رسیدگی به پرونده های قاچاق فرآورده های نفتی در پرتو حق بر دادخواهی، حقوق پزشکی، ویژه نامه تحولات حقوقی، شماره ۱۶، ۱۴۰۱، صص ۱۱۸-۱۰۳.
- پتفت، آرین، مرکز مالمیری، احمد، مفهوم و قلمرو اصول کلی حقوق اداری: امکان و چگونگی استناد به آن در رسیدگی های قضایی، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۶.
- دادنامه شماره: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۲۵۱۲؛ مورخ: ۱۳۹۱/۸/۲۱؛ شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.
- دادنامه شماره: ۱۴۰۰۳۱۳۹۰۰۰۲۲۴۷۳۲۱؛ مورخ: ۱۴۰۰/۹/۳؛ شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری.
- دادنامه شماره: ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۰۸۱۷؛ مورخ: ۱۳۹۵/۳/۵؛ شعبه ۱۵ بدوی دیوان عدالت اداری.

- ساعی، سیدمحمدهادی، ثقفی، مریم، بررسی اعتبار نظریه کارشناس از منظر فقه و حقوق، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۷، شماره ۸۳، ۱۳۹۲، صص ۸۸-۱۱۲.
- ساقیان، محمد مهدی، اسلامی، زهرا، کارکردهای اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری، آموزه های حقوق کیفری، دوره ۱۸، شماره ۲۲، ۱۴۰۰، صص ۱۵۴-۱۲۵.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته (جلد اول)، نشر دراک، تهران، چاپ چهل و ششم، ۱۴۰۲.
- شیبانی، عادل، مولایی، غلامرضا، درآمدی بر مفهوم صلاحیت تشخیصی و بایسته‌های نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر صلاحیت تشخیصی مراجع اختصاصی اداری، حقوق اداری، شماره ۲۶، ۱۴۰۰، صص ۱۱۱-۱۲۹.
- شیروی، عبدالحسین، حقوق نفت و گاز، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۰.
- محمدی، سام، قلی پور علمداری، مهران، مطالعه تطبیقی اصل تناظر در حقوق ایران و انگلیس، پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۴، شماره ۱۵، ۱۳۹۵، صص ۱۰۹-۱۲۷.
- موسوی، سیدحسن، تحلیل حقوقی الگوی قراردادی خدمت در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران، گنج دانش، تهران، ۱۳۹۹.
- هداوند، مهدی، جم، فرهاد، مفهوم دولت تنظیم گر: تحلیل تنظیم گری به مثابه ابزار حکمرانی، راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، ۱۴۰۰، صص ۲۶۶-۲۲۷.
- همتی، مجتبی، تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری، با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۹، شماره ۵۵، ۱۳۹۶، صص ۲۷۲-۲۴۵.

- یزدان مهر، محمد، *تحلیلی بر قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری*، نشر مجد، تهران، ۱۴۰۲.
- یوسفی، ایمان، شفیع، مهدی، *مطالعه جایگاه بازپرس در قانون قدیم و جدید آیین دادرسی کیفری*، فصلنامه قضاوت، دوره، ۱۷، شماره ۹۰، ۱۳۹۶، صص ۱۴۲-۱۲۵.
- Bruwer C. "Smuggling and trafficking of illicit goods by sea". *Global challenges in maritime security: an introduction*. Springer: Berline, 2020, pp.49-73.
- Murray J. "Prejudice-based rights in criminal procedure". *University of Pennsylvania Law Review*, Vol.168, No.2, 2019, pp.277-296.
- Contractor FJ, Dangol R, Nuruzzaman N, Raghunath S, "How do country regulations and business environment impact foreign direct investment (FDI) inflows?" *International Business Review*, Apr 1, Vol.29, No.2, 2020, pp.64-87.
- Stainton I, Ewin R, *Criminal investigation*, Critical Publishing: London, 2022.
- Heled Y, Rutschman AS, Vertinsky L, "Regulatory Reactivity", *Food and Drug Law Journal*, Vol.76, No.2, 2021, pp.318-36.